

# فاجعه ای که امروز حاکم است

## ریشه در غفلت های گذشته دارد

تحلیل هفتگی 24 مرداد 1361

بخش دوم

هیچ ایرانی منصفی نیست که در قلب سال های اول انقلاب ۵۷ جمهوری اسلامی حضور داشته باشد و اخبار و رویدادهای آن سال های را دنبال کرده باشد و اکنون با مرور آنها - حداقل اگر مخالف حزب توده ایران هم هست- در دل خود تأیید نکند که توده ای ها از همه توان و امکان خود برای جلوگیری از به قدرت رسیدن قشریون و ارتجاع مذهبی استفاده کردند. بسیار از روحانیون و غیر روحانیون حاکم و معزول در جمهوری اسلامی به یاد دارند که در آن سال ها حزب توده ایران چگونه و با چه جسارتی بانگ بر می داشت و هشدار می داد که بترسید از آنها که ریش توپی می گذارند و تسبیح بدست می گیرند و در صف حکومتی ها خود را جای داده اند تا انقلاب را از درون پوک و پوسیده کنند. آنها می خواهند بگویند انقلاب یعنی ریش، یعنی نماز، یعنی حجاب، یعنی تظاهر به اعتقادات مذهبی، یعنی بلندگوی بلند مساجد و صدای آزار دهنده آنها در محلات. امروز وقتی به سفره ای که دولت احمدی نژاد در تهران و آیت الله مصباح یزدی در قم پهن کرده اند نگاه می کنیم، نباید به انقلاب شک کرد، بلکه باید به غفلت هایی که برای حفظ آرمان های اساسی آن شد اندیشید. توان حزب توده ایران تا آن حد بود که انجام داد و در بخش دوم تحلیل هفتگی ۲۴ مرداد ۱۳۶۱ می خوانید. اگر همان زمان به این بانگ و هشدار ما توجه شده بود، کار به فاجعه کنونی نمی کشید. اگر درک کرده بودند انتخابات دوم خرداد ۷۶ را، اگر به اهمیت کنفرانس برلین پی برده بودند، اگر به ضرورت دفاع از محمد خاتمی توجه کرده بودند و ده ها اگر دیگر، نشان می دهد که غفلت و خوش باوری نسبت به آنها که در حاکمیت و حاشیه آن از منافع طبقاتی خود دفاع می کنند، چگونه توانست و همچنان می تواند میدان را برای آنها که برایشان انقلاب یعنی نماز و ریش و ظاهرسازی و چاپیدن مردم و کشور خالی از اغیار کند. بخوانید:

رویدادهای هفته گذشته نشان می دهد که در برابر یورش همه جانبه نیروهای مخالف خط امام، که انواع دستجات و انجمن های قشری، انحصارطلب و لیبرال و حجتیه ای را در بر می گیرد، نیروهای مدافع خط امام شروع به واکنش کرده اند، که نشان امید بخشی از هشیاری و از شناخت دشمنان و مخالفان و علامت نوید دهنده ای از تصمیم به مقابله و پیشبرد انقلاب است.

تا اوایل مرداد ماه، آنچه وجه مشخصه نبرد بین "خط"ها را تشکیل می داد، عبارت بود از مقاومت بیش از پیش سرسختانه مخالفان خط امام و یورش های پیاپی و لجوجانه آنها به مواضع درست انقلابی و تلاش برای به عقب راندن مدافعان خط امام از مواضع اساسی شان، (جلوگیری از تدابیر اقتصادی- اجتماعی بنیادین، عدم شناخت دوستان و دشمنان خارجی و داخلی انقلاب، ناروشنی و سردرگمی در سیاست خارجی، پیامدهای انحصار طلبی و قشری گری، نقض آزادی های سیاسی مصرحه در قانون اساسی، عدم اجرای قانون اساسی و تدوین قوانین لازم برای پیاده کردن آن و...) و بالاخره موفقیت های نسبی جناح های راست گرا در بسیاری از این زمینه ها (به تحلیل 3 مرداد 61 مراجعه مجدد کنید).

در برابر این روند عناصر و محافل خط امامی نیز مصمم تر به صحنه آمدند و نسبت به خطر آگاهی یافتند. نبرد شدیدتر شد، سرنوشت انقلاب به نتیجه این رویارویی بین مدافعان و مخالفان خط امام بستگی داشت و دارد. همین پیدایش و تقویت آگاهی و هشیاری و آغاز مقابله

است که در هفته گذشته نموده‌های بارزی داشته و درک آنها باید پایه تحلیل ما را از روی داده‌های هفته تشکیل دهد. در این هفته جامعه ما نمونه‌های منسجم و پرمعنایی از بیداری خط امامی‌ها را شاهد بوده است. با درک درست این رویدادها، نه به طور مجزا و جداگانه، بلکه در چارچوب کلی تحول وضع و نبرد همه گیر "خط"ها، می‌تواند امید داشت که آگاهی به خطر و درک ضرورت مقابله مصمم تر از انقلاب و مشخصات اصلی آن و افشای آشکار مخالفان خط امام، می‌رود تا در این رویارویی به یک تعرض پیروزمند خط امام و در نتیجه تعمیق کیفی انقلاب و نیل به سوی اهداف عالی آن بیانجامد.

به مصاحبه بسیار مهم حجت الاسلام موسوی خوئینی‌ها، که بخش قابل ملاحظه‌ای از این تعرض است در قسمت دیگر این تحلیل خواهیم پرداخت ولی از هم اکنون پیداست که مرحله تازه، هم صحنه‌های سیاسی و عبادی را دربر می‌گیرد و هم عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی و مسلما اداری و سازمانی را، قبل از هر چیز باید از هشدار امام خطاب به آنانی که با تظاهر برسر و صدا و آزار دهنده به اسلام گرائی، مزاحم دیگران می‌شوند و حتی خواب و آسایش را مختل می‌کنند و ناراحتی می‌افرینند، یاد کرد. نکته مهم آنکه امام خمینی تصریح کردند که تازه "این امر پائینی است که من عرض کردم، که از اینجا باید رتبه رتبه بالا برود". این جمله تمام اهمیت وسیع و فراگیر رهنمود امام را خاطر نشان می‌سازد.

اهمیت و گسترش دامنه عمل این اخطار امام خمینی در برخی از مطبوعات و طی برخی از خطبه‌های نماز جمعه این هفته نیز خاطر نشان شد تا مبدا تنها به صدای بلندگو و استراحت بیماران محدود شود. مبدا به امر پائینی محدود شود و رتبه رتبه بالا نرود. اجرای دقیق این رهنمود برخورد کاملا مسئولانه و جدیدی را از جانب کلیه تصمیم گیرندگان و مجریان و همه مسلمانان واقعی می‌طلبد. البته هستند نیروهایی که می‌خواهند اهمیت و دامنه اخطار امام را تنها به صدای اذان و بلندگوی مساجد محدود کنند، درست همانند زمانی که امام دستور "طاغوت زدائی" داد و برداشت‌ها از آن تنها برداشتن علائم شیرو خورشید را از سرلوحه کاغذ اداره‌ها فهمیدند، در واقع اکنون معیار تازه‌ای در دست پیروان خط امام است، که از نظر عبادی نیز مسلمانان واقعی و معتقد به اصول را از حجتیه‌ای‌ها و متظاهرين و قشری‌ها جدا کنند و بدانند که طنین پر هیاهوی بانگ "والسلاما" و سختگیری‌های متظاهران، ملاک مسلمانی نیست. چنین نیست که هر کسی بلند گویش قوی تر و ریشش تویی تر و تازیانه اش محکم تر و تظاهرش گستاخانه تر باشد، مسلمان تر و انقلابی تر است. درک این معیار به حل یک مسئله اساسی کنونی انقلاب، یعنی تشخیص درست و دقیق دوستان و دشمنان انقلاب و داشتن محکی واقعی کمک می‌کند.

علاوه بر اخطار امام و سخنان آقای موسوی خوئینی‌ها که قسمتی از آن در همین زمینه است، برخی از مطالب گرهی خطبه آیت اله موسوی اردبیلی رئیس قوه قضائیه و امام جمعه موقت تهران و چندین موضع گیری دیگر برخی از دولتمردان نشانه همین مرحله تازه هشیاری و حمله متقابل خط امام بود. آقای اردبیلی در باره یکی از حساسترین مسائل جامعه ما، که درست گلوگاه مخالفان خط امام در آنجاست، یعنی در مسئله حیاتی تدابیر اجتماعی-اقتصادی بنیادی به سود زحمتکشان، از جمله گفت:

"کجای این خلاف اسلام است که دولت اقتصاد را در جهت حمایت از مستضعفین و محرومین هدایت کند؟... و برسد به جایی که برنامه ریزی طوری اجرا شود که ثروت ثروتمندان و فقر فقرا اضافه نشود؟".

این پاسخ مستقیمی است به یورش مخالفان در کسوت اسلام در رد "ایرادهای شرعی" مخالفان تدابیر جدی و قوانین مثبت و مترقی، معاون وزیر مسکن در اصفهان گفت:

"قانون در جمهوری اسلامی عین شرع است، سرنوشت قانون اراضی شهری، سرنوشت خود قانونگذاری است".

و این پاسخ مستقیمی است به آنان که قانون، حتی قانون اساسی را با شرع مغایر قلمداد کردند و آنانکه "به مراجع نوشتند که قانون غیر شرعی است".

در مقابله با خودسری هائی که در زندان ها و دستگاه های مربوطه می شود، هیئت هایی به بازرسی رفتند و "خط"ی که خواستار تامین آزادی های سیاسی و حقوق انسانی و برخورد متکی بر قانونیت است، موفق شد که گامی بردارد، که لجام گسیختگی تا اندازه ای مهار شود. گرچه تغییر هنوز کمی است و نه کیفی، علیرغم مقاومت و مخالفت ها این هفته از زندان اوین اعلام شد که از این به بعد به جای ملاقات ماهانه، هر بیست روز یک بار ملاقات داده خواهد شد. بعلاوه خبر رسید که چندین نفر از رفقای ما در تهران و مازندران، که به کلی بی گناه ماه ها زندانی شده بودند، آزاد شده اند. تقریباً نیمی از گروه انتشارات حزب در این میان هستند.

البته نباید فراموش کرد که این همه، در برابر ادامه یورش کف بر لب مخالفان است، که حتی در دهات، جلوی خانه هواداران حزب ما، جوانان فریب خورده "حجتیه" را قشربون ناآگاه را گرد می آورند و نیمه های شب فریاد "مرگ بر توده ای" بلند می کنند و کودکان را بیدار و وحشت زده و هراسان می کنند و بر دیوار خانه های دگراندیشان شعار "مرگ بر توده ای" می نویسند، برسر جاده ای که به تصورشان به ده مسکونی یک توده ای ختم می شود، با حروف درشت همان شعار را می نویسند و حتی از مراسم تدفین یک شهید هم برای تحریک مردم و ایجاد جو متشنج ضد توده ای و ضد فدائیان اکثریت، با دنائت بهره برداری می کنند، کافی نیست.

تشدید نبرد بین "خط"ها، مقابله خط امامی ها و ایستادگی آنها، آغاز غلبه بر جو شانتاژ و برجسب زنی، آغاز تعرض بر عناصر راستگرا و منحرف کننده خط انقلاب یا مسخ کننده آن و حجتیه ای ها و قشربون و مستضعف ستیزان، که در شهرستان های مختلف کشور نمودی آشکار و علنی یافته، بیش از پیش به عامل ضرور و حیاتی تکامل انقلاب بدل می گردد.

### بیان جوانبی از "خط امام" توسط یکی از نمایندگان سرشناس آن

در این هفته قسمت های دوم و سوم مصاحبه روزنامه کیهان با حجت الاسلام موسوی خوئینی ها انتشار یافت. رفقا می دانند که "بنیش خاص سیاسی" وی در فرمان مربوط به مراسم حج مورد تاکید مخصوص امام خمینی رهبر انقلاب قرار گرفت و تأیید همه جانبه و پرمعنایی توسط رهبر انقلاب، پس از رای گیری هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی و حذف آقای خوئینی ها از نیابت ریاست، از وی بعمل آمد. اعلام مواضع چنین شخصیتی و تشریح بینش سیاسی وی، بازتابی وسیع در بین همه هواداران و پیروان خط امام و به خصوص بین آن انقلابیونی داشت، که صادقانه، ولی هنوز سردرگمی هائی دارند و ریش و تسبیح و قران خوانی و انجام "چشمگیر" فرایض را ملاک انقلابی بودن می دانند و یا هنوز به خطر جدی گروه ها و انجمن های مخالف با خط امام یا منحرف کننده این خط یا مسخ کننده این خط، پی نبرده اند. همه اینها و نکات گرهی انقلاب، که طی مصاحبه مطرح شده، آنرا به سطح یکی از مهم ترین وقایع هفته ارتقاء می دهد، زیرا که طی آن یکی از برجسته ترین و سرشناس ترین پیروان خط امام، به تفصیل "بنیش خاص سیاسی" خود را بیان می دارد و با خط مخالفان خط امام از هر طیفی به مقابله رودر رو و تعیین کننده می پردازد. از آنجا که سرنوشت انقلاب و پیشرفت آن به سوی تحکیم و پیروزی مستقیماً در گروی نتیجه این رویارویی و شناخت دشمنان و مخالفان حتی زیر نقاب اسلامی و آگاهی برخطر آنان و وقوف بر ضرورت افشاء و برکنار کردن آنان است، چنین اعلام مواضعی با این قاطعیت می تواند علامت آغاز مرحله تازه ای از غلبه مدافعان خط امام بر شانتاژ و جوسازی مخالفان، غلبه بر ترس از پرچسب ها و شروع مرحله تعرض علیه مخالفان و منحرف کنندگان خط امام باشد.

هفته گذشته نکات مهم مربوط به قسمت اول مصاحبه را در باره امپریالیسم امریکا و شانناژ "خطر کمونیسم" و برچسب زنی و معیار انقلابی بودن و غیره مورد بررسی قرار دادیم. در قسمت های دوم و سوم هم، اگر چه متأسفانه مطالب و اندیشه هایی اشتباه آمیز، که ناشی از عدم شناخت و تحلیل نادرست و گزارش های خطاست، وجود دارد ولی اساس و عمده همانا بیان نکات گرهی سیاست های خط امامی و دفاع شجاعانه از آن است. از آنجا که ممکنست رفقا شماره های یکشنبه 17 و پنج شنبه 21 مرداد کیهان را به دست نیاورده باشند، و چون لازم است که حتما این نکات گرهی را مضمون بحث های خود و توضیح مواضع در بین دوستان و همکاران و آشنایان قرار دهند، نه همه نکات مهم، بلکه تنها بخش هایی از این گفته ها را، به علت جای محدود، با توصیه مراجعه به اصل، در اینجا می آوریم.

در باره تظاهر به اسلام و ملاک سپردن مسئولیت ها و شناخت دوستان انقلاب، وی می گوید: "دو تا جریان آمده و روز به روز بیشتر در مدیریت جامعه وارد می شود، یعنی اینکه کسانی فرصت طلبانه می آیند و از برخورد احیانا سطحی و قشری ماها با مسائل دینی استفاده می کنند... اگر ضوابط این را ببینیم، که کسی ظواهر دینی را چقدر رعایت می کند، اگر کسی آمد ریش گذاشت و وقتی دور هم جمع می شویم، اول با صدای بلند چند آیه قران را خواند و بعد یک حدیث آورد و سر ظهر فوری راه افتاد و نماز جماعت خواند و در ایام عزاداری سینه زنی هم در اداره به راه انداخت... اگر این ضابطه بشود برای اینکه چه کسی می تواند در خدمت انقلاب قرار بگیرد و چه کسی نمی تواند، چه کسی انقلاب را باور کرده و چه کسی نکرده، اگر ما اینطور برخورد کنیم، تعدادی آدم های فرصت طلب می آیند و از این جریان سوء استفاده می کنند؛ به خصوص آن آدم هایی که بیشتر بی شخصیت هستند، زودتر خودشان را با هر قالبی که سازگار باشد وفق می دهند."

بهتر از این در باره این وضع نمی توان گفت. ولی چرا، می توان گفت. و این باز خود آقای خوئینی هاست که می گوید:

"به شعائر مذهبی پایبند بودن بسیار خوب است، ولی اگر این ملاک بشود برای اینکه حالا چه کسی آدم صادقی است و لایق برای خدمت به انقلاب، اگر این وضع ادامه پیدا کند و گسترش پیدا نماید به سرعت بدترین عناصر می آیند و در بهترین موقعیت ها خودشان را جا می زنند و امور را به دست می گیرند و آن وقت متوجه می شویم که یک آدم با ظواهر دینی یک باطن بسیار خطرناک برای انقلاب دارد. این خطر جدیدی است و باید به طور جدی با آن برخورد کرد."

برای آنکه به اهمیت این موضع گیری پی ببریم، کافی است یک لحظه تصور کنیم که این نظر به مشی عملی و به شیوه عمل رایج جمهوری اسلامی ایران بدل شده است. چه بسیار مسائل، که در این صورت راه حل خود را خواهد یافت و چه به سرعت انقلاب به سوی شکوفائی و باروری خواهد رفت.

موضوع دیگری را که از بین گفته های آقای خوئینی ها در اینجا می آوریم، مربوط است به راستگرایان مخالف خط امام و منحرفان و تحریف کنندگان خط امام، وی می گوید:

"از آنروز هم (قبل از انقلاب) در برابر امام یک جریان دیگری وجود داشت، که قبول نداشت، یعنی یا انقلاب را قبول نداشت، یا انقلاب را منهای امام قبول داشت. این جریان، از همان اول هم در روحانیت بود. هم در بازار و قشر روشنفکر در ادارات و در همه جا... بعد از پیروزی انقلاب این جریان تضعیف شد (از این طریق که) اکثر نیروهای مومن آن جریان برگشتند آمدند به انقلاب پیوستند ولی آن جریان از بین نرفت و نابود نشد... اشتباه موجب شد که این جریانی که نمرده بود و وجود داشت، بتدریج از برخورد ساده لوحانه استفاده کرد و دو مرتبه در میدان های مختلف حضور پیدا کرد و مشخص شد که باز هم دارد خودش را درگیر می کند با آن جریان قبل، که قبل از انقلاب به هم گاهی شاخ به شاخ می شد."

به روشنی پیداست که مقصود از اینها، راستگرایان مخالف خط امام اند که هم در میان روحانیت و هم در دستگاه های دولتی و نهادهای انقلابی وجود و نفوذ دارند و البته مورد پشتیبانی عملی حجتیه ای ها هستند. آقای خوئینی ها در باره شیوه عمل راستگرایان مخالف خط امام می گوید: گاهی یک آزمایشی می کند، حتی در برابر امام یک اظهار وجودی می کند، که ببیند بازتاب آن چه خواهد شد. اگر بازتاب تندی داشت، عقب نشینی می کند، و گرنه مطمئن می شود و یک قدم جلو می آید... این جریان خطری است که حضور روزافزون دارد و شاید یکی از وسیع ترین میدان هایی که درگیر خواهد شد با جریان اصیل، میدان اقتصادی است". اینها "حتی برخی از کارهایی را که امام به استناد مقام ولایتشان انجام می دهند، زیر سؤال می کشانند که درست هست یا نیست".

همه به خوبی می دانیم که بویژه کلیه تدابیر بنیادی مربوط به امور اجتماعی- اقتصادی و همه قوانین حیاتی، که باید سدی را از پیش پای تکامل جامعه بردارد، دچار چنین "سؤال ها" و حتی خرابکاری های عملی صریح می شود. به درستی آقای خوئینی ها عرصه اصلی رویارویی بین خط امام و جریان مخالف را "میدان اقتصادی" می داند. زیرا راستگرایان مخالف خط امام در نهایت بیانگر و مبلغ و مدافع منافع طبقاتی سرمایه داران کلان و زمینداران بزرگ و همه واسطه ها و رباخواران عمده و گردانندگان اصلی بازار هستند. در این عرصه دیگر آنها نمی توانند پیشرفت انقلاب و خط امام را تحمل کنند. شیشه عمر آنها در اینجاست، و در اینجاست که آنها تمام ماهیت ضد انقلابی و ضد خط امامی خود را فاش می کنند و دیگر نمی توانند با "دعا و گریه"، با تظاهر و تقیه و "این قبیل توجیحات" سیمای کریه خود را پنهان کنند.

آقای خوئینی ها می گوید:

"حرکت این انقلاب در قوه مقننه، در قوه قضائیه، در قوه مجریه باید به سمت منافع این طبقه از جامعه (محرومان و زحمتکشان) باشد نه به سمت منافع آن طبقه مرفه... ما معتقدیم و اسلام حمایت می کند از منافع طبقه محروم و می خواهد محرومیت آن طبقه را از بین ببرد... همه باید داد بزنند که دارند ظلم می کنند، باید نقطه نظرهایی را ارائه بدهند در اداره امور جامعه، در روابط مردم با یکدیگر و در مناسبات اقتصادی، که ظالم دیگر ظلم نکند و مظلوم را از گرسنگی نجات دهند. من اعتقاد این است که این جریان که عرض کردم در برابر جریان امام و خط و راه امام از آغاز انقلاب بوده و در پیروزی انقلاب منزوی شده، دارد مجدداً رشد می کند و در همه صحنه ها حضور پیدا می کند و خود جریان انقلاب و نیروهای وابسته به انقلاب هم گاهی اشتباهاتی می کنند و باعث می شود آنها حضور بیشتری پیدا کنند. و این خطر است."

آری، و این خطر است و دیدن این خطر و درک تهدیدی که برای انقلاب دارد نخستین گام برای رفع خطر است.